دور معی، مثالی برای کلگراها

شاگرد: متشابه الاجزاء را می‌فرمودید.

استاد: پیچ و مهره را ببینید. اگر آن‌ها را جفت کردیم و با هم شدند، شیء ثالثی پدید می‌آید که اگر جدا شوند، دیگر آن نیست و دیگر، کاری که از آن می‌آید، نیست. این مثال ساده برای غیر متشابه الاجزاء بود که خواصی دارند که می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند.

داشتم این را عرض می‌کردم: کسانی که مدافع کلگرائی هستند و می‌گویند کل، فروکاهیده نمی‌شود، تلاش‌های متعددی در این فضا دارند. از چیزهایی که برای دفاع از آن‌ها می‌توان گفت، دور معی است. همه با دور معی سر و کار دارند؛ دور معی چکار می‌کند؟ یک ترکیب است؛ دو آجر را که کنار هم می‌گذارند و یک طاق درست می‌کنند، این، آن را نگه می‌دارد یا دیگری، این را نگه می‌دارد؟ وضع این آجر دست راست، متوقف بر دیگری است یا دیگری متوقف بر این است؟ هر دو. دور معی این است که هر دو، یکدیگر را نگه می‌دارند. خب حالا کل پدید می‌آید یا نمی‌آید؟! خواص این افراد را دارد یا ندارد؟ در تلاش‌ها برای برگرداندن آن مشکلی ندارم، ولی اگر دورهای معی زیاد پیدا شود، چرا.

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2025 16:13:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژانویه 2025 09:28:48 توسط ... .